

بررسی تطبیقی فضیلت خردمندی در سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر

پیوند می‌زند. ۲) در روان‌شناسی مثبت‌نگر، خردمندی بیشتر شناختی-عملگرایانه است و بر مؤلفه‌هایی مانند خلاقیت، کنجکاوی، انعطاف‌پذیری و حل مسئله تأکید دارد. همپوشانی دو دیدگاه در تأکید بر رشد فردی، تعالی اخلاقی و سودمندی اجتماعی خردمندی مشاهده می‌شود، اما تفاوت کلیدی در منشأ الهی (در سنت شیعه) در مقابل منشأ تجربی-عقلانی (در روان‌شناسی) و نیز روش‌های پرورش آن است. در پایان، با ارائه مدلی تلفیقی پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران آموزشی و فرهنگی با تلفیق یافته‌های علمی و آموزه‌های معنوی، چارچوبی جامع برای تربیت خردمندانه طراحی کنند.

کلیدواژه‌ها: خردمندی، فضیلت‌های اخلاقی، روان‌شناسی مثبت‌نگر، سنت شیعی.

هادی امدادیفرا^۱، محمدتقی انصاریپور^۲، حمیدرضا شریعتمداری^۳، محسن زندی^۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰
چکیده:

خردمندی به‌عنوان یکی از فضایل بنیادین انسانی، در سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر با رویکردهایی متفاوت اما گاه مکمل مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به‌روش کتابخانه‌ای-تحلیلی، به بررسی تطبیقی مفهوم خردمندی در آموزه‌های اهل‌بیت(ع) و یافته‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که هر دو سنت، خردمندی را مستلزم دانش، تعقل و کاربست عملی می‌دانند، اما با تفاوت‌های بنیادین در مبانی و غایات: ۱) در سنت شیعی، خردمندی برآمده از اطاعت الهی و تقواست و تفکر سودمند، وابسته به هدایت الهی و التزام به ارزش‌های دینی تعریف می‌شود. این نگاه، خرد را با معنویت، اخلاص و مسئولیت اخلاقی

۱- دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان گرایش الهیات مسیحی، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده ادیان ابراهیمی، قم، ایران.

۲- عضو هیئت علمی و استادیار گروه ادیان ابراهیمی، دانشکده ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده ادیان ابراهیمی، قم، ایران.

۳- عضو هیئت علمی و دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده شیعه‌شناسی، قم، ایران.

۴- استادیار پایه ۴.

A Comparative Reflection on the Virtue of Wisdom in the Shiite Tradition and Positive Psychology.

Abstract:

Wisdom is a prominent human virtue recognized differently in Shi'a tradition and positive psychology. This study provides a comparative reflection on the concept of wisdom in the teachings of the Shiite school of Ahl al-Bayt and the findings of positive psychology. The research method is library-analytical, examining Shiite religious texts alongside relevant empirical studies. The findings indicate that both traditions view wisdom as requiring knowledge and reflection, but Shiite tradition places greater emphasis on the divine-spiritual dimension (such as obedience to God and piety), whereas positive psychology highlights cognitive and creative aspects (such as creativity, curiosity, and perspective). Overlaps are observed in the emphasis on personal development and ethical conduct. Differences lie in the divine origin of wisdom and methods of cultivation. The conclusion proposes an integrated model of wisdom drawing on both perspectives, suggesting that incorporating spiritual teachings with scientific insights in education, training, and policy-making can enhance ethical development and well-being.

Keywords: Wisdom; Virtue; Positive Psychology; Shi'a Tradition; Comparative Analysis.

مقدمه

گشودگی ذهنی، عشق به یادگیری و توانایی نگریندن به مسائل از زوایای مختلف می‌باشد (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). این دیدگاه بر نقش تجربیات زندگی، یادگیری مداوم و توانایی به کارگیری دانش برای حل مسائل پیچیده زندگی و اتخاذ تصمیم‌های سنجیده و سازنده تأکید دارد. خردمند در این چارچوب، با دانش گسترده‌ای که دارد، می‌تواند آن‌را با بینش عمیق، همدلی و توجه به بافتار، درجهت خیر فردی و جمعی بکار گیرد (استرنبرگ، ۱۹۹۸). با وجود اهمیت بنیادین مفهوم خردمندی در هر دو حوزه معرفتی سنت دینی شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر، و با وجود امکان بالای گفت‌وگو و تبادل بین این دو سنت فکری، شکاف پژوهشی قابل توجهی در این زمینه مشهود است.

پژوهش‌های موجود غالباً یا منحصر بر رویکردی درون‌دینی متمرکز بوده و به تحلیل متون و آموزه‌ها بسنده کرده‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰؛ مهدوی‌راد، ۱۳۹۵)، یا صرفاً در چارچوب روان‌شناسی مثبت‌نگر و با نگاهی سکولار به مطالعه خرد پرداخته‌اند (آردلت، ۲۰۰۳؛ وبستر، ۲۰۰۷). تحقیقات اندکی به صورت نظام‌مند و تطبیقی به واکاوی هم‌پوشانی‌ها، تمایزها و امکان‌های تلفیق سازنده بین این دو منظومه فکری در مورد خردمندی پرداخته‌اند (جعفری، ۱۳۹۹، به‌عنوان یک استثنای محدود). این شکاف دانشی، به‌ویژه در بافتار جوامع شیعه‌نشین مانند ایران که هم متأثر از تعالیم دینی عمیق هستند و هم در معرض یافته‌های علوم انسانی مدرن قرار دارند، محسوس‌تر است. فقدان یک درک جامع و تلفیقی از خردمندی که هم ریشه در ارزش‌های دینی و فرهنگی داشته باشد و هم از یافته‌های تجربی روان‌شناسی بهره ببرد، منجر به فقدان الگوها و برنامه‌های تربیتی و سیاستی منسجم برای پرورش این فضیلت حیاتی در سطوح فردی و اجتماعی شده است. در عمل، نهادهای آموزشی و تربیتی اغلب فاقد چارچوب نظری یکپارچه‌ای هستند که بتواند به‌شکلی مؤثر، بنیان‌های دینی خرد را با مهارت‌های شناختی-هیجانی مورد تأکید روان‌شناسی مثبت‌نگر تلفیق کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر دقیقاً در پر کردن همین شکاف دانشی و عملی نهفته است. این تحقیق با

1Ardelt, M.

خردمندی، این موهبت الهی و قابلیت انسانی برتر، همواره در طول تاریخ تمدن بشری ستوده شده و به‌عنوان سنگ بنای سعادت فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. در سنت غنی شیعی، عقل به‌عنوان والاترین هدیه الهی شناخته می‌شود که انسان را به سوی حقیقت رهنمون می‌سازد. در این میان، سخنان امام علی (ع) به‌عنوان تجلی‌بخش آموزه‌های شیعی، جایگاه رفیع خرد را به روشنی ترسیم می‌کند. ایشان در بیان نورانی خود فرموده‌اند: «مَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا عَقْلًا إِلَّا اسْتَعَانَ بِهِ عَلَى نَجَاتِهِ يَوْمًا مَا» (خداوند هیچ‌کس را عقل و خرد نداد جز اینکه روزی با آن وی را از هلاکت نجات داد) (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۱۱۳). این کلام گهربار نه‌تنها ارزش ذاتی عقل را نشان می‌دهد، بلکه کارکرد حیاتی آن را در تشخیص حق از باطل و رهایی از تباهی برجسته می‌سازد.

در این منظومه فکری، عقل - به‌عنوان قوه تشخیص و تمییز - همچون چراغی فروزان عمل می‌کند که تاریکی‌های شک و گمراهی را می‌زداید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۹۷). در اینجا لازم به توضیح است که اگرچه در متون دینی گاه «عقل» و «خرد» به‌صورت مترادف به کار رفته‌اند، اما می‌توان تمایزی مفهومی بین آنها قائل شد: عقل بیشتر به قوه ادراک و استدلال اشاره دارد، درحالی‌که خردمندی (حکمت) شامل بعد عملی و اخلاقی نیز می‌شود. بنابراین، خردمندی در آموزه‌های شیعی فراتر از یک توانایی ذهنی صرف، فضیلتی جامع محسوب می‌شود که هم جنبه‌های شناختی (عقل نظری) و هم ابعاد عملی-اخلاقی (عقل عملی) را دربرمی‌گیرد و سعادت دنیوی و اخروی فرد را تضمین می‌کند.

همزمان، در عرصه دانش نوین روان‌شناسی، به‌ویژه رویکرد نوپدید و امیدبخش روان‌شناسی مثبت‌نگر، خردمندی جایگاهی محوری به‌عنوان یکی از شش فضیلت اصلی شخصیت انسان به خود اختصاص داده است. روان‌شناسی مثبت‌نگر، با تمرکز بر شکوفایی و به‌زیستی انسان، خردمندی را مجموعه‌ای از توانمندی‌های شناختی و هیجانی تعریف می‌کند که شامل تفکر انتقادی، کنجکاوی فکری، خلاقیت،

مثبت‌نگر کدامند؟ چه وجوه اشتراک و افتراقی بین این دو دیدگاه در تعریف، مبنا و کارکرد خردمندی وجود دارد؟ و چگونه می‌توان از تلفیق سازنده این دو دیدگاه، الگوها و راه‌کارهای کاربردی برای تربیت و سیاست‌گذاری در جوامع شیعی استخراج کرد؟» برای پاسخ به این پرسش‌ها، پژوهش حاضر از رویکردی **کتابخانه‌ای-تحلیلی** بهره می‌برد. بدین منظور، با مراجعه به متون بنیادین شیعی (مانند قرآن کریم، نهج‌البلاغه، و آثار برجسته علمای شیعه) و نیز ادبیات پژوهشی معتبر روان‌شناسی مثبت‌نگر (شامل کتاب‌ها و مقالات معتبر بین‌المللی)، داده‌های کیفی لازم گردآوری خواهد شد. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و استدلال تطبیقی، مؤلفه‌ها استخراج، مقایسه و تحلیل شده و در نهایت، یافته‌ها در قالب الگوها و راه‌کارهای پیشنهادی ارائه خواهند گردید. این مسیر پژوهشی، امید است گامی مؤثر در جهت فهم عمیق‌تر و کاربست گسترده‌تر مفهوم بنیادین خردمندی در عرصه نظر و عمل بردارد.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

خردمندی در سنت شیعی: بنیادهای نظری و مفاهیم کلیدی
خردمندی (حکمت)^۱ در منظومه فکری شیعه، مفهومی محوری و چندبعدی است که ریشه در متون مقدس (قرآن و سنت) و تفاسیر اندیشمندان برجسته دارد.

هدف بررسی تطبیقی خردمندی در سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر، در پی دستیابی به اهداف زیر است: (۱) شناسایی و تبیین مؤلفه‌های مشترک و متمایز خردمندی در هر دو حوزه؛ (۲) تحلیل امکان‌ها و چارچوب‌های مفهومی برای تلفیق سازنده این دو دیدگاه؛ و (۳) استخراج راه‌کارهای کاربردی مبتنی بر یافته‌های تطبیقی برای طراحی برنامه‌های تربیتی اثربخش و تدوین سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی مرتبط در بستر جوامع شیعی مانند ایران. دستیابی به چنین درک تلفیقی می‌تواند اثرات مثبت عمیقی داشته باشد: (الف) غنای نظری: ارائه مدلی جامع‌تر از خردمندی که هم ابعاد معنوی-اخلاقی و هم جنبه‌های روان‌شناختی-تجربی آن را پوشش دهد؛ (ب) کاربرد تربیتی: طراحی الگوها و محتوای آموزشی نوین برای پرورش خرد در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی، همسو با ارزش‌های بومی و جهانی؛ (ج) سیاست‌گذاری: ارائه مبانی نظری مستحکم برای سیاست‌گذاران در حوزه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و امور دینی جهت تقویت بنیان‌های خردورزی در جامعه؛ و (د) گفت‌وگوی علم‌ودین: تقریب بین دو حوزه معرفتی به‌ظاهر متمایز و نشان‌دادن امکان هم‌افزایی آن‌ها در حل مسائل انسانی.

مسئله اصلی پژوهش که این تحقیق در صدد پاسخگویی به آن است، به شرح زیر می‌باشد: «مؤلفه‌های اصلی خردمندی در سنت شیعی و روان‌شناسی

۱ «بررسی سیر تحول مفهومی «خردمندی» نیازمند گذر از سه مرحله است: ۱. تعریف لغوی: «خرد» در فارسی باستان به معنای «اندیشه سنجیده» و در اوستا به مفهوم «هدایت الهی» آمده است (حسن‌دوست، فرهنگ ریشه‌شناختی فارسی، ۱۳۹۳: ج ۲، ۸۷۵). در عربی، «حکمت» از ریشه «ح-ک-م» به معنای «بازداشتن از جهل» است (مصطفوی، التحقیق، ۱۳۶۰: ج ۲، ۲۹۴). ۲. تحلیل اصطلاحی: در سنت اسلامی، خردمندی (حکمت) به «شناخت حقایق هستی همراه با التزام عملی به عدالت» تعریف شده (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷) و با «عقل» (ابزار تشخیص) و «فرزانگی» (تجربه‌اندوزی) نسبتی طولی دارد. در روان‌شناسی مثبت‌نگر: خردمندی (Wisdom) ترکیبی از «دانش عمیق»، «تلفیق تجارب» و «جهان‌نگری اخلاقی» است (Staudinger & Baltes, 2000). ۳. چرایی اشتراکات: الف) هم‌پوشانی مفاهیم در سنت‌های مختلف ناشی از «فطرت عقلانی» انسان است (مطهری، فطرت، ۱۳۵۷: ۵۶). ب) تفاوت‌ها برخاسته از مبانی هستی‌شناختی است: دین → خرد الهی‌مدار (نورانی)، روانشناسی → خرد زمینی‌مدار (عقلانی). بنابراین، در سنت اسلامی و به‌ویژه در منظومه فکری شیعی، اگرچه عقل (قوه ادراک و تمییز)، خردمندی (عملکرد بینه عقل در زندگی) و حکمت (ترکیب عقل نظری و عملی با هدایت الهی) گاه به‌صورت مترادف به کار رفته‌اند، اما تمایزهای مفهومی دارند: ۱. عقل (به عربی: عقل) در اصطلاح، قوه‌ای معرفت‌ساز است که انسان را از خطا بازمی‌دارد (ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۹: ۳۵۰). ۲. خردمندی (معادل Wisdom در غرب) کاربست عملی عقل در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و زندگی روزمره است (Sternberg, 1998). ۳.

از منظر لغوی، «عقل» از ریشه «ع-ق-ل» به عنای «بازداشتن» و «بندزدن» (مانند عقال شتر) است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۹: ۳۵۰). این ریشه‌شناسی نشان‌گر کارکرد مهارکنندگی عقل در برابر شهوات و هواهای نفسانی است. ابن‌الانباری (قرن سوم هجری) تصریح می‌کند: «سُمِّيَ الْعَاقِلُ عَاقِلًا لِأَنَّهُ يَعْقِلُ نَفْسَهُ عَنِ الْهَوَى وَالرَّدَى، أَيْ يَمْنَعُهَا وَيَرُدُّهَا»^۱ (به نقل از مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۳۳).

۲. **تهذیب نفس و مهار هواها:** خردمندی مستلزم مهار غرایز و شهوات است. امام علی(ع) می‌فرماید: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَهَابَةُ اللَّهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۵۰). خرد، بازدارنده از گناه و محرک به سوی فضیلت است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۲۹).

۳. **عمل صالح و مسئولیت اجتماعی:** خردمندی در گرو عمل به دانسته‌ها و خدمت به خلق است. امام علی(ع) می‌فرماید: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۸۱). خردمند در جامعه، عدالت‌گستر و امانت‌دار است.

۴. **درون‌نگری و عبرت‌آموزی:** خردمند با تأمل در نفس و عبرت از وقایع، بر دانش و حکمت خود می‌افزاید. امام علی(ع) توصیف می‌کنند: «الْعَاقِلُ مَنْ صَمَتَ فَاسْتَفَكَرَ، وَنَظَرَ فَأَعْتَبَرَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۲۵).

۵. **تعداد و میانه‌روی:** خرد شیعی بر اعتدال تأکید دارد؛ نه افراط در عقل‌گرایی محض (که نقل را نادیده بگیرد) و نه تفریط در تقلید کورکورانه (که جایگاه عقل را انکار کند). این تعادل در کلام امام علی(ع) مشهود است: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخِذْ الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النَّقَاقِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۸۰)، که نشان‌دهنده گشودگی به حکمت، فارغ از منبع آن، در چارچوب ایمانی است.

← **خردمندی در روان‌شناسی مثبت‌نگر:** **تعاریف، ابعاد و سنجش**

روان‌شناسی مثبت‌نگر، با تمرکز بر شکوفایی انسان

حکمت (به عربی: حکمة) در متون دینی ترکیبی از عقل سلیم، علم نافع و تقوای الهی است (طباطبایی، المیزان، ج ۳: ۱۲۵). وجه اشتراک: هر سه مفهوم به هدایت رفتار انسان مربوط می‌شوند. وجه افتراق: ۱. عقل ابزار تشخیص است، خردمندی کارکرد آن است، و حکمت کمال آن با هدایت الهی است (مطهری، مجموعه آثار، ج ۳: ۸۷). ۲. در روایات، حکمت گاه موهبتی الهی (نه صرفاً اکتسابی) تعریف شده است (کلینی، الکافی، ج ۱: ۱۳).

۱ «این نگاه لغوی به عقل به‌عنوان «بازدارنده»، هرچند ریشه در ادبیات عرب پیش از اسلام دارد، اما در دوره اسلامی با مضامین دینی تکامل یافت؛ به‌گونه‌ای که در متون شیعی، عقل علاوه بر کارکرد مهارگری (که در علم روان‌شناسی امروز نزدیک به مفهوم خویش‌داری است)، به منزلت قدسی نیز دست یافت - چنان‌که در روایات از آن به‌عنوان «حجت باطن» در کنار «حجت ظاهر» (پیامبران) یاد شده است (کلینی، الکافی، ج ۱: ۱۶). این تحول نشان‌دهنده تلفیق رویکرد معرفتی - اخلاقی در سنت اسلامی است، درحالی‌که در علوم شناختی معاصر، عقل بیشتر به‌عنوان سیستم پردازش اطلاعات مطالعه می‌شود» (Kahneman, 2011).

در نگرش شیعی، عقل موهبتی الهی و **حجت باطنی** است که مکمل **حجت ظاهری** (پیامبران و امامان) می‌باشد. امام صادق(ع) فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْمَلَ لِلنَّاسِ الْحَجَجَ بِالْعُقُولِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۶). خردمندی در این سنت، تنها به معنای هوش تحلیلی یا دانش نظری نیست، بلکه فضیلتی جامع است که شناخت (تمییز حق از باطل)، عمل (تقوا و اطاعت) و تهذیب نفس را در هم می‌آمیزد. قرآن کریم عقل را ابزار دریافت نشانه‌های الهی معرفی می‌کند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، «اولی‌الالباب» را کسانی می‌داند که از عقل عملی برای تدبیر امور و عقل نظری برای شناخت حقایق بهره می‌گیرند (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۵۸۳).

← **مؤلفه‌های بنیادین خردمندی شیعی را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:**

۱. **معرفت‌ورزی توحیدی:** خردمند، جهان را آیات الهی می‌بیند و شناخت او به شناخت آفریدگار متصل است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «أَوَّلُ

و قابلیت‌های مثبت، خردمندی^۱ را به‌عنوان یکی از شش فضیلت اصلی شخصیت (همراه با شجاعت، انسانیت، عدالت، اعتدال و تعالی) معرفی می‌کند (پترسون و سلیگمن^۲، ۲۰۰۴) این رویکرد، خردمندی را نه صرفاً محصول سن یا تجربه، بلکه مجموعه‌ای از توانمندی‌های شناختی و هیجانی قابل پرورش می‌داند که فرد را قادر می‌سازد تا دانش و تجربه خود را برای حل مسائل پیچیده زندگی و اتخاذ تصمیماتی که به‌زیستی فردی و جمعی را ارتقاء می‌بخشد، به کار گیرد (استرنبرگ^۳، ۱۹۹۸؛ بالتس و استودینگر^۴، ۲۰۰۰).

عشق به یادگیری^۱: تمایل به تسلط بر مهارت‌ها و موضوعات جدید (والراند و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۳).

قضاوت/دقت‌نظر^{۱۲}: بررسی همه جوانب قبل از تصمیم‌گیری، گشودگی نسبت به دیدگاه‌های مخالف (برینزا و همکاران، ۲۰۱۸).

خلاقیت^{۱۳}: تولید ایده‌ها و راه‌حل‌های نو و کاربردی (استرنبرگ، ۲۰۰۵).

چشم‌انداز^{۱۴}: توانایی دیدن مسائل از سطح کلان و در نظر گرفتن زمینه‌های وسیع‌تر (بنگن و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۳). **توانمندی‌های انعکاسی و هیجانی^{۱۶}:**

خودآگاهی^{۱۷}: شناخت عمیق نقاط قوت، ضعف، هیجانات و انگیزه‌های خود (گلوک و وست‌استرات^{۱۸}، ۲۰۲۲).

درون‌نگری^{۱۹}: تأمل در تجارب و انگیزه‌های شخصی (آردلت، ۲۰۰۳).

تنظیم هیجان^{۲۰}: مدیریت مؤثر هیجانات منفی و تقویت هیجانات مثبت (گروسمن، ۲۰۱۷).

تساهل نسبت به عدم قطعیت^{۲۱}: پذیرش پیچیدگی و ابهام در زندگی (استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱).

توانمندی‌های اجتماعی و اخلاقی^{۲۲}:

و قابلیت‌های مثبت، خردمندی^۱ را به‌عنوان یکی از شش فضیلت اصلی شخصیت (همراه با شجاعت، انسانیت، عدالت، اعتدال و تعالی) معرفی می‌کند (پترسون و سلیگمن^۲، ۲۰۰۴) این رویکرد، خردمندی را نه صرفاً محصول سن یا تجربه، بلکه مجموعه‌ای از توانمندی‌های شناختی و هیجانی قابل پرورش می‌داند که فرد را قادر می‌سازد تا دانش و تجربه خود را برای حل مسائل پیچیده زندگی و اتخاذ تصمیماتی که به‌زیستی فردی و جمعی را ارتقاء می‌بخشد، به کار گیرد (استرنبرگ^۳، ۱۹۹۸؛ بالتس و استودینگر^۴، ۲۰۰۰).

← مؤلفه‌های کلیدی خردمندی در روان‌شناسی مثبت‌نگر:

توانمندی‌های شناختی^۵:

تفکر انتقادی^۶: ارزیابی منطقی اطلاعات، شناسایی سوگیری‌ها و استدلال مستدل (گروسمن و همکاران^۷، ۲۰۲۰).

کنجکاوی فکری^۸: علاقه فعال به تجارب جدید، ایده‌ها و دانش (کاشدان و همکاران^۹، ۲۰۱۸).

1. Wisdom
2. Peterson, C., Seligman, M. E. P.,
3. Sternberg, R. J.,
4. Baltes, P. B., Staudinger, U. M.,
5. Wisdom as Cognition
6. Critical Thinking
7. Grossmann, I., Dorfman, A., Oakes, H.,
8. Curiosity
9. Kashdan, T. B., Disabato, D. J., Goodman, F. R., McKnight, P. E.,
10. Love of Learning
11. Vallerand, R. J., Blanchard, C., Mageau, G. A., Koestner, R., Ratelle, C., Léonard, M., Marsolais, J.,
12. Judgment/Open-Mindedness
13. Creativity
14. Perspective
15. Bangen, K. J., Meeks, T. W., Jeste, D. V.,
16. Wisdom as Reflection & Emotion.
17. Self-Awareness
18. Glück, J., Weststrate, N. M.,
19. Introspection
20. Emotion Regulation
21. Tolerance for Ambiguity
22. Wisdom as Prosocial Orientation

هر دو نگرش، عدالت‌گستر و دغدغه‌مند رفاه جامعه است.

۵- اهمیت یادگیری و دانش‌افزایی: عشق به یادگیری و کنجکاوی فکری در روان‌شناسی مثبت‌نگر، و کسب دانش نافع و حکمت در سنت شیعی (امام علی (ع): «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ» حکمت ۸۱) هم‌پوشانی دارند.

تمایزات بنیادین:

۱- منشأ و غایت: در سنت شیعی، خرد موهبتی الهی است و غایت آن قرب به خدا و سعادت دنیوی و اخروی است. در روان‌شناسی مثبت‌نگر (در شکل رایج سکولار آن)، خرد محصول تعامل ژنتیک، محیط و تجربه است و غایت آن عمدتاً به‌زیستی روان‌شناختی در این جهان است.

۲- چارچوب ارزشی: خرد شیعی در چارچوب ارزش‌های دینی و وحیانی تعریف و هدایت می‌شود. خرد در روان‌شناسی مثبت‌نگر، گرچه می‌تواند شامل ارزش‌های اخلاقی باشد، اما مبنایی سکولار و انسانی دارد و لزوماً به وحی متکی نیست.

۳- تأکید بر تقوا و ارتباط با خدا: بعد معنوی ارتباط با خدا و تقوا، وجه متمایز بارز خرد شیعی است که در مدل‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر (به جز برخی رویکردهای جدیدتر معنوی) کمتر برجسته است.

۴- ماهیت عقل: در فلسفه اسلامی شیعی (به ویژه حکمت متعالیه ملاصدرا)، عقل دارای مراتب و ابعاد چندگانه است. ملاصدرا با تلفیق مبانی فلسفی و عرفانی، مراتب عقل را در چارچوب سیر تکاملی نفس از قوه به فعل تبیین می‌کند (صدرالمتألهین، الاسفار، ج ۸: ۳۵۴). در این نظام فکری، اگرچه از مصطلحات فلسفه مشایی مانند «عقل هیولانی» استفاده شده، اما این مفاهیم در چارچوب هستی‌شناسی توحیدی بازتعریف شده‌اند - به گونه‌ای که حتی پایین‌ترین مرتبه عقل نیز تحت هدایت الهی قرار دارد (طباطبایی، نه‌ایة الحکمة:

همدلی و شفقت^۱: درک احساسات دیگران و تمایل به کاهش رنج آن‌ها (جست و همکاران، ۲۰۱۰).

اخلاق‌مداری^۲: تصمیم‌گیری مبتنی بر اصول اخلاقی و توجه به عدالت (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

خدمت به جامعه^۳: جهت‌گیری به سمت منافع جمعی و رفاه دیگران (بنگن و همکاران، ۲۰۱۳).

مدل‌های تلفیقی: مدل‌های جدیدتر سعی در تلفیق این ابعاد دارند. مدل سه‌بعدی «خرد تعادلی»^۴ (گروسمن، ۲۰۱۷) بر تعادل بین منافع فردی و جمعی، توجه به زمینه و تغییر و تواضع فکری تأکید دارد. مدل خردمندی به‌مثابه فضیلت (شوارتز و شارپ، ۲۰۰۶) آن‌را توانایی تشخیص «عمل درست» در موقعیت‌های پیچیده با تلفیق دانش، تجربه و ارزش‌ها می‌داند.

گفت‌وگوی تطبیقی: نقاط اشتراک، افتراق و امکان‌های تلفیق

بررسی تطبیقی دو منظومه فکری، نقاط اشتراک و افتراق معناداری را روشن می‌سازد:

اشتراکات کلیدی:

۱- تمرکز بر عمل و پیامد: هر دو دیدگاه خردمندی را صرفاً دانش نظری نمی‌دانند، بلکه بر عمل صالح (شیعه) یا تصمیم‌گیری سازنده و اخلاقی (روان‌شناسی مثبت‌نگر) تأکید دارند.

۲- اهمیت درون‌نگری و خودآگاهی: تأمل در نفس و شناخت خویشتن در هر دو سنت جایگاه محوری دارد. امام علی(ع): «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ بَلَغَ نَهَائِيَهُ كُلِّ مَعْرِفَةٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۹۷) و (خودآگاهی در مدل‌های آردلت، ۲۰۰۳؛ گلوک و وست استرات، ۲۰۲۲).

۳- نقش تنظیم هیجان و مهار نفس: مهار شهوات (شیعه) و تنظیم هیجانان (روان‌شناسی مثبت‌نگر) به‌عنوان پیش‌نیاز یا بخشی از خردمندی تلقی می‌شوند.

۴- ارزش عدالت و خدمت به دیگران: خردمند در

1Empathy & Compassion

2Jeste, D.V., Ardel, M., Blazer, D., Kraemer, H.C., Vaillant, G., Meeks, T.W.,

3Ethical Reasoning

4Prosocial Behavior

5Balanced Wisdom

می‌توانند علاوه بر ابعاد شناختی-هیجانی-اجتماعی، بعد معنوی-دینی را نیز در بر گیرند تا تصویر کاملی ارائه دهند.

۴۸۶). در مقابل، روان‌شناسی مثبت‌نگر با رویکردی تجربی، صرفاً بر جنبه‌های قابل مشاهده و سنجش خرد (مانند حل مسئله، تنظیم هیجان و همدلی اجتماعی) تأکید می‌ورزد (Sternberg, ۱۹۹۸).

در فلسفه اسلامی شیعی (به‌ویژه حکمت متعالیه ملاصدرا)، عقل دارای سلسله‌مراتبی تکاملی است که از مرحله استعداد محض تا فعلیت‌یافتن کامل را دربرمی‌گیرد. ملاصدرا این مراتب را در چارچوب نظریه «حرکت جوهری» و باتأکید بر جنبه قدسی معرفت تبیین می‌کند (صدرالمآلهین، الاسفار، ج ۸: ۳۵۴). در این نظام فکری، حتی پایین‌ترین مراتب ادراکی انسان نیز به‌عنوان «نور الهی» و در مسیر تکامل به سوی عقل فعال (با هدایت وحیانی) تعریف می‌شود (همان، ج ۱: ۵۲). این نگاه، تفاوت بنیادین با مفهوم «عقل هیولانی» در فلسفه ارسطو دارد که صرفاً بعد طبیعی و غیردینی را مد نظر قرار می‌دهد.^۱ در مقابل، روان‌شناسی مثبت‌نگر با رویکردی تجربی، صرفاً بر جنبه‌های قابل مشاهده و سنجش خرد (مانند حل مسئله، تنظیم هیجان و همدلی اجتماعی) تأکید می‌ورزد (Sternberg, ۱۹۹۸).

امکان‌های تلفیق سازنده: این تطبیق، امکان‌های ارزشمندی برای تلفیق را نشان می‌دهد:

۱- **توسعه مدل‌های جامع:** مدل‌های روان‌شناختی خرد می‌توانند با گنجاندن سازه‌های معنوی مانند: «معناداری مبتنی بر ارتباط با خدا»، «تقوا به مثابه تنظیم‌گر اخلاقی» و «هدف‌مندی اخروی» غنای بیشتری یابند، به‌ویژه در جوامع مذهبی.

۲- **طراحی مداخلات بومی:** برنامه‌های آموزش خردمندی می‌توانند تکنیک‌های مبتنی بر شواهد روان‌شناسی (مثل بازتاب‌گری هدایت‌شده، تمرین همدلی) را با تمرینات معنوی سنتی شیعی (مثل مراقبه، تدبر در آیات و روایات، عبرت‌گیری) ترکیب کنند.

۳- **ارزیابی چندبعدی:** ابزارهای سنجش خرد

۱ ملاصدرا هرچند از مصطلحات فلسفه مشاء استفاده می‌کند، اما با دو نوآوری اساسی: ۱) تبدیل سلسله مراتب ایستای عقل به فرآیند پویای تکاملی در پرتو حرکت جوهری ۲) تأکید بر اینکه تمام مراتب عقل -حتی در ابتدایی‌ترین سطح- تحت شعاع «عقل فعال» به‌عنوان تجلی الهی قرار دارند (الشواهد الربوبیه: ۱۹۳). بنابراین، اصطلاحات مشابهی در این نظام، معنایی کاملاً دگرگون یافته دارند.»

پیشینه پژوهش:

جدول ۱: خلاصه پیشینه پژوهش‌های مرتبط

محقق(ان) / سال	جامعه / روش پژوهش	یافته‌های کلیدی مرتبط با خردمندی	ارتباط با پژوهش حاضر
پژوهش‌های داخلی: (جعفری ۱۳۹۹)	تحلیل محتوای کیفی متون اسلامی و روانشناسی	شناسایی هم‌پوشانی‌هایی در مؤلفه‌هایی چون تعادل، درون‌نگری و توجه به دیگران، و تفاوت‌ها در مبنا (الهی/سکولار) و غایت (اخروی/دنیوی)	پایه نظری تطبیق حاضر را فراهم می‌کند، اما تمرکز بر استخراج راهکارهای کاربردی برای تربیت و سیاست‌گذاری ندارد.
گلستانی‌بخت و همکاران (۱۴۰۱)	دانشجویان / روش آزمایشی (پیش‌آزمون - پس‌آزمون)	آموزش روانشناسی مثبت منجر به افزایش معنادار نمرات خردمندی و تنظیم هیجان) و (بویژه تیزبینی تاب‌آوری شد	نشان‌دهنده اثربخشی مداخلات روان‌شناختی در پرورش برخی ابعاد خرد در ایران است.
(حسینی‌زاده ۱۳۹۸)	تحلیل محتوای کیفی نهج‌البلاغه	استخراج مؤلفه‌های خرد عملی در کلام امام علی (ع) شامل: عدالت‌ورزی، مشورت‌پذیری، آینده‌نگری، و مهارت‌های نفسانی.	منبع غنی برای استخراج مؤلفه‌های خرد شیعی در پژوهش حاضر است.
پژوهش‌های خارجی ^۱ : گروسمن و همکاران (۲۰۲۰)	بزرگسالان / مطالعات طولی و تجربی	آموزش تواضع فکری (برگرفته از مبانی روانشناسی مثبت‌نگر) و (گرفتن چشم‌انداز سوم شخص موجب بهبود قضاوت خردمندانه شد. این یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیرپذیری روانشناسی مثبت‌نگر از فلسفه فضیلت‌محور در مطالعه خرد است	نشان‌دهنده تلفیق مبانی فلسفی و روش‌های تجربی در روان‌شناسی مثبت‌نگر است که الگویی برای تلفیق یافته‌های علمی با آموزه‌های شیعی در پژوهش حاضر ارائه می‌دهد.

۱ روان‌شناسی مثبت‌نگر به‌عنوان یک جنبش علمی در اواخر قرن بیستم توسط مارتین سلیگمن مطرح شد و با تمرکز بر مطالعه نقاط قوت انسان (به جای آسیب‌شناسی)، به بررسی مفاهیمی مانند شادی، تاب‌آوری و خردمندی پرداخت (Seligman & Csikszentmihalyi, 2000). این رویکرد، خردمندی را نه صفتی ثابت، بلکه مهارتی قابل پرورش در نظر می‌گیرد که از طریق تجربه، آموزش و بازتاب فعال می‌شود (Baltes & Staudinger, 2000). این نگاه پویا، با وجود تفاوت در مبانی، از نظر تأکید بر کاربردی بودن خرد، با سنت شیعی که خردمندی را فضیلتی اکتسابی می‌داند، همسوست (کلینی، الکافی، ج: ۱۱).

اهمیت درون‌نگری را برجسته می‌کند، که هم در سنت شیعی و هم روانشناسی مثبت‌نگر مشترک است.	تأکید بر نقش تجارب دشوار زندگی و فرآیند انعکاسی درون‌نگری در رشد خردمندی.	مرور نظام‌مند نظریه‌ها و پژوهش‌ها	گلیک و وست‌استرات (۲۰۲۲)
اهمیت پرورش خردمندی در طول عمر را نشان می‌دهد و بر کاربردهای سیاستی پژوهش حاضر تأکید دارد.	ارتباط مثبت معنادار بین خردمندی (به‌ویژه بعد انعکاسی-هیجانی) و رضایت از زندگی و سلامت روانی در سالمندی.	سالمندان / پیمایش مقطعی	آردلت و همکاران (۲۰۱۹)
دامنه کاربرد خردمندی در حوزه‌های سیاست‌گذاری (مثل مدیریت) را نشان می‌دهد، که در هدف پژوهش حاضر لحاظ شده است.	ارتباط مثبت بین خردمندی (با مؤلفه‌های شناختی و هیجانی) و تصمیم‌گیری اخلاقی و رهبری اثربخش در محیط کار.	مدیران آمریکایی / پیمایش	وزیری و همکاران (۲۰۲۰)
نشان‌دهنده اهمیت توجه به بعد معنوی در مدل‌های خرد است و مسیر پژوهش حاضر را در تلفیق معنویت شیعی تأیید می‌کند.	شواهد فزاینده‌ای از ارتباط بین معنویت/دینداری و سطوح بالاتر خردمندی (به‌ویژه بعد چشم‌انداز و معنا) وجود دارد.	مرور نظام‌مند	پژوهش‌های نوظهور معنوی: کینگ و کراوتر ^۱ (۲۰۲۱)

نقاط افتراق و نوآوری پژوهش حاضر:

- ۱- تمرکز ویژه بر سنت شیعی: برخلاف بیشتر تحقیقات تطبیقی که نگاهی عام به دین یا اسلام دارند، این پژوهش به‌طور خاص بر مبانی، متون و اندیشمندان سنت شیعی تمرکز دارد.
- ۲- هدف کاربردی سیاست‌گذاری و تربیتی: تمایز اصلی این تحقیق، حرکت فراتر از تحلیل نظری و تمرکز بر استخراج راهکارهای عملی و کاربردی برای طراحی برنامه‌های تربیتی (در آموزش و پرورش و دانشگاه) و تدوین سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی در بستر جوامع شیعی (به‌ویژه ایران) است. پیشینه موجود عمدتاً به توصیف یا آموزش مهارت‌های خاص محدود است.
- ۳- تلفیق نظام‌مند برای بستر بومی: نوآوری در ارائه چارچوب مفهومی تلفیقی است که به‌طور نظام‌مند مؤلفه‌های خرد شیعی (مبتنی بر تقوا، معادباوری، عدالت‌ورزی) را با توانمندی‌های مبتنی‌برشواهد روان‌شناسی مثبت‌نگر (تفکر انتقادی، تنظیم هیجان، همدلی) در یک مدل سازگار با فرهنگ شیعی ترکیب می‌کند.
- ۴- توجه به سطوح مختلف: پژوهش حاضر به دنبال ارائه راهکارهایی هم در سطح فردی (پرورش شخصیت خردمند)، هم نهادی (تحول برنامه‌های درسی و تربیتی) و هم اجتماعی-سیاستی (تدوین راهبردهای کلان فرهنگی) است.
- ۵- استفاده از منابع دست‌اول: تحلیل عمیق متون دست‌اول شیعی (قرآن، نهج‌البلاغه، کافی) و هم‌زمان

1. King, H. M., Crowther, M. R.,

ادبیات روز روان‌شناسی مثبت‌نگر برای استخراج مؤلفه‌ها.

اهداف کلی و جزئی تحقیق (به‌عنوان نوآوری):

الف) هدف کلی: تدوین چارچوبی تلفیقی برای مفهوم‌پردازی و پرورش خردمندی در جوامع شیعی، مبتنی بر سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر.

ب) اهداف جزئی (نوآوری عملیاتی):

۱- شناسایی و تبیین نظام‌مند مؤلفه‌های هسته‌ای خردمندی در متون بنیادین شیعی و مقایسه آن با ابعاد خردمندی در روان‌شناسی مثبت‌نگر.

۲- تحلیل امکان‌ها و چالش‌های تلفیق‌سازنده این دو منظومه فکری در قالب یک مدل مفهومی جامع برای بستر ایران.

۳- استخراج راه‌کارهای عینی و کاربردی برای طراحی برنامه درسی تربیت خردمندی در سطوح مختلف تحصیلی (متوسطه، دانشگاهی).

۴- ارائه راهبردهای سیاستی به نهادهای متولی (وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادهای حوزوی) برای گنجاندن پرورش خردمندی در اسناد بالادستی، برنامه‌های توسعه و پروژه‌های فرهنگی.

۵- طراحی پیشنهادهایی برای **مداخلات روان‌شناختی-معنوی** مبتنی بر یافته‌های تطبیقی، جهت اجرا در مراکز مشاوره، کانون‌های فرهنگی و خانواده.

این پژوهش با پر کردن شکاف بین نظریه‌پردازی تطبیقی و کاربرد عملی در بستر خاص جوامع شیعی، و با ارائه الگویی بومی و تلفیقی، گامی نوین در جهت تقویت بنیان‌های خردورزی فردی و اجتماعی برمی‌دارد.

روش اجرای پژوهش

نوع پژوهش و رویکرد کلی: پژوهش حاضر با هدف بنیادی-کاربردی و با اتخاذ رویکرد کیفی، به بررسی تطبیقی مفهوم خردمندی در دو سنت فکری سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر می‌پردازد. ماهیت

اکتشافی و تفسیری این مطالعه تطبیقی، مستلزم بهره‌گیری از روش تحقیق کتابخانه‌ای-تحلیلی است (کرسول و پوث^۱، ۲۰۱۸). این روش به‌طور خاص برای پژوهش‌هایی که بر تحلیل عمیق متون و اسناد متمرکزند و هدفشان استخراج معنا، شناسایی الگوها و ارائه چارچوب‌های مفهومی نوین است، مناسب‌ترین گزینه محسوب می‌شود (بوئن^۲، ۲۰۰۹). رویکرد تطبیقی مورد استفاده در این پژوهش (بردی^۳، ۱۹۶۴)، امکان بررسی نظام‌مند شباهت‌ها، تفاوت‌ها و زمینه‌های تلفیق میان این دو منظومه معرفتی را فراهم می‌سازد. **جامعه آماری مورد مطالعه و روش نمونه‌گیری (گزینش منابع):** جامعه آماری در این پژوهش مبتنی بر متون، شامل کلیه متون معتبر و دست‌اول در دو حوزه زیر است:

۱- **حوزه سنت شیعی:** قرآن کریم، متون حدیثی معتبر (به‌ویژه نهج‌البلاغه (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)، غرر الحکم و درر الکلم (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، الکافی (کلینی، ۱۴۰۷ق)، و آثار تفسیری، کلامی و فلسفی برجسته علمای شیعه (مانند تفسیر المیزان (طباطبائی، ۱۴۱۷ق)، و آثار ملاصدرا، علامه جعفری و شهید مطهری مرتبط با عقل و حکمت).

۲- **حوزه روان‌شناسی مثبت‌نگر:** کتاب‌ها، مقالات پژوهشی معتبر (مجلات علمی-پژوهشی داخلی و مجلات بین‌المللی دارای ضریب تأثیر/Quartile بالا)، فصل‌های کتاب و مرورهای نظام‌مند مرتبط با تعریف، ابعاد، سنجش و پرورش خردمندی در چارچوب روان‌شناسی مثبت‌نگر و حوزه‌های مرتبط (مانند روان‌شناسی رشد بزرگسالی و شخصیت).

روش نمونه‌گیری (گزینش منابع): با توجه به ماهیت پژوهش و هدف آن، از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند زنجیره‌ای استفاده شد (پاتون، ۲۰۱۵).

۱- **مرحله اول (منابع هسته‌ای):** ابتدا منابع بنیادین و شناخته‌شده در هر دو حوزه به‌طور هدفمند انتخاب شدند (مثلاً قرآن، نهج‌البلاغه، غررالحکم برای سنت شیعی؛ کتاب نقاط قوت و

1.Creswell,J.W.,Poth,C.N.,

2.Bowen,G.A.,

3.Bereday,G.Z.F.,

منظر (سنت شیعی / روان‌شناسی مثبت‌نگر / پژوهش تجربی)؛ ۵- یادداشت‌های تحلیلی اولیه محقق (شباهت‌ها، تفاوت‌ها، ارتباط با سایر مفاهیم، سؤالات)

روش‌های تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری‌شده از ترکیب روش‌های زیر استفاده شد:

۱- **تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار:** از آنجاکه پژوهش با چارچوب‌های نظری نسبتاً مشخصی آغاز شد، از کدها و مقولات اولیه مبتنی بر ادبیات پژوهش و سؤالات تحقیق به‌عنوان راهنما استفاده گردید. متن متون به‌دنبال مصادیق این مفاهیم و مؤلفه‌ها (مانند معرفت‌ورزی، تهذیب نفس، تفکر انتقادی، خودآگاهی) جستجو و کدگذاری شد.

۲- **تحلیل مضمون:** هم‌زمان و به‌صورت تکمیلی، برای شناسایی الگوها (مضامین) گسترده‌تر، روابط بین مفاهیم و مضامین نوظهور که ممکن است از چارچوب‌های اولیه فراتر روند، از تحلیل مضمون بهره گرفته شد. این روش شامل مراحل آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تولید گزارش بود. مضامین اصلی حول محور وجوه اشتراک، تمایز و امکان‌های تلفیق شکل گرفتند.

۳- **تحلیل:** در گام نهایی تحلیل، داده‌های کدگذاری‌شده و مضامین استخراج‌شده از دو حوزه سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر، به‌طور نظام‌مند در چهارچوب‌های مشخص (تعاریف، مبانی، مؤلفه‌ها، غایات، کاربردها) مقایسه و مقابل هم قرار داده شدند تا شباهت‌ها، تفاوت‌ها و نقاط تلاقی برای تلفیق سازنده شناسایی شوند. این مقایسه در سطح توصیفی و تفسیری انجام پذیرفت. یافته‌های پژوهش‌های تجربی مرتبط، به‌صورت نقادانه مرور و تحلیل شدند تا شواهد تجربی برای مؤلفه‌های خردمندی، اثربخشی رویکردها و ارتباط آن با متغیرهای دیگر فراهم شود. این تحلیل عمدتاً بر ترکیب نقادانه تمرکز بود.

روایی و پایایی پژوهش (اعتبارپذیری و اطمینان‌پذیری)

فضائل شخصی^۱ اثر پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) و مقالات کلیدی بالتس، استودینگر، استرنبرگ، آردلت، گروسمن برای روان‌شناسی مثبت‌نگر).

۲- **مرحله دوم (زنجیره‌ای):** با استناد به منابع اولیه و بررسی فهرست منابع و منابع استنادشده در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی (مانند نورمگز، مگ ایران، اس آی دی، ساینس دایرکت، پاب مد، سایکنفو)، **منابع مرتبط و معتبر دیگر** شناسایی و به‌تدریج به مجموعه منابع افزوده شدند. معیار اصلی گزینش، **ارتباط مستقیم محتوایی** با مفاهیم کلیدی پژوهش (خردمندی، عقل، حکمت، فضیلت‌های شخصیت) و **اعتبار علمی منبع** (چاپ در ناشران معتبر، مجلات معتبر، استناد بالا، تخصص نویسنده) بود.

روش‌های گردآوری داده‌ها: داده‌های مورد نیاز این پژوهش به دو شیوه اصلی گردآوری شدند:

۱- **مطالعه عمیق و استخراج مستقیم از متون دست‌اول:** این مرحله شامل خوانش دقیق، چندباره و تحلیلی متون انتخاب‌شده (به‌ویژه متون دینی و فلسفی شیعه و آثار نظری پایه در روان‌شناسی مثبت‌نگر) و استخراج مستقیم گزاره‌ها، تعاریف، مؤلفه‌ها و مفاهیم مرتبط با خردمندی بود.

۲- **جمع‌آوری و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های تجربی داخلی و خارجی** مرتبط با سنجش خردمندی، اثربخشی مداخلات پرورش خرد و ارتباط آن با متغیرهای دیگر (مانند به‌زیستی، رهبری، تصمیم‌گیری اخلاقی). این داده‌ها عمدتاً از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی و مطالعه مقالات پژوهشی معتبر استخراج شدند. تمرکز بر **تحقیقات منتشر شده در دهه اخیر** برای انعکاس آخرین یافته‌ها بود.

ابزار پژوهش: ابزار اصلی پژوهش در این روش کتابخانه‌ای، **فیش‌برداری نظام‌مند محقق‌ساخته** بود. این ابزار شامل ساختاری برای ثبت دقیق موارد زیر برای هر منبع یا بخش متن تحلیل‌شده بود:

- ۱- **شناسه منبع** (نویسنده، سال، عنوان، صفحه)؛
- ۲- **مفهوم/مؤلفه کلیدی** مرتبط با خردمندی؛
- ۳- **تعریف یا توصیف** ارائه شده در منبع؛
- ۴- **زمینه/**

تجزیه و تحلیل یافته‌ها: تحلیل تطبیقی

الف) تجزیه و تحلیل توصیفی و یافته‌های مفهومی

پژوهش حاضر با ماهیت کیفی و روش کتابخانه‌ای-تحلیلی، فاقد داده‌های کمی و متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات) است. جامعه آماری این تحقیق را متون معتبر دینی شیعی و ادبیات علمی روان‌شناسی مثبت‌نگر تشکیل می‌دهد. در این بخش، یافته‌های توصیفی مبتنی بر طبقه‌بندی مفهومی مؤلفه‌های خردمندی و فراوانی مضمونی آن‌ها در منابع دست‌اول ارائه می‌شود:

جدول ۲: توزیع مفهومی مؤلفه‌های کلیدی خردمندی در سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر (تحلیل محتوای کیفی)

برای افزایش اعتبارپذیری یافته‌های این پژوهش کیفی، راهبردهای زیر به کار گرفته شد: ۱- مشارکت طولانی‌مدت و تعامل با داده‌ها: مطالعه مکرر و عمیق متون و داده‌ها؛ ۲- بازبینی توسط هم‌تا: ارائه یافته‌ها و تفسیرهای اولیه به اساتید و هم‌تخصصان صاحب‌نظر برای دریافت بازخورد؛ ۳- استفاده از منابع معتبر و دست‌اول: اتکا به متون معتبر و شناخته‌شده در هر دو حوزه؛ ۴- شفاف‌سازی فرآیند: مستندسازی دقیق مراحل تحقیق، از انتخاب منابع تا کدگذاری و تحلیل، به گونه‌ای که مسیر پژوهش قابل ردیابی باشد؛ ۵- تبیین جایگاه پژوهشگر: پژوهشگر با تخصص در مطالعات تطبیقی ادیان و آشنایی با روان‌شناسی مثبت‌نگر، آگاهانه تلاش کرده است تا پیش‌فرض‌ها و جهت‌گیری‌های خود را مدیریت کرده و تفسیرها را براساس داده‌های متنی مستند سازد.

مؤلفه کلیدی	سنت شیعی (شواهد متنی و فراوانی مضمونی)	روان‌شناسی مثبت‌نگر (شواهد پژوهشی و فراوانی مضمونی)	وضعیت تطبیقی
۱. شناختی	- تمیز حق/باطل (قرآن، بقره: ۲۶۹) - نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۳ - فراوانی بالا - عقاب هوای نفس (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۵۰) - فراوانی بالا - آینده‌نگری و تدبیر (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱) - فراوانی متوسط	- تشریح انضادی (گروسمن و همکاران، ۲۰۲۰) - فراوانی بسیار بالا - کنجکاوی فکری (کاشدان و همکاران، ۲۰۱۸) - فراوانی بالا - فضاوت/دقت‌نظر (برینزا و همکاران، ۲۰۱۸) - فراوانی بالا	همپوشانی قوی تفاوت در مبنای مهار نفس (شیعه) برابر ارزیابی عینی (روان‌شناسی)
۲. عاطفی-انگاشی	- خوف و رجاء الهی (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۶۷) - فراوانی متوسط - عبرت‌پذیری (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۲) - فراوانی بالا - مراقبه نفس (غررالحکم، ج ۲: ۴۵۲) - فراوانی بالا	- خودآگاهی (آردلت، ۲۰۰۳) - فراوانی بالا - تنظیم هیجان (گروسمن، ۲۰۱۷) - فراوانی بالا - تعامل نسبت به ابهام (استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱) - فراوانی متوسط	همپوشانی بالا تفاوت در جهت‌گیری: ارتباط با خدا (شیعه) برابر تنظیم درون‌فردی (روان‌شناسی)
۳. شهودی-معنوی	- عقل به مثابه نور الهی (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵: ۲۱۳) - فراوانی بالا - حکمت موهبت الهی (قرآن، بقره: ۲۶۹) - نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۵) - فراوانی بسیار بالا	- خرد بازتابی (گلوک و وست‌استرات، ۲۰۲۲) - فراوانی متوسط - معناجویی (کینگ و کراوتر، ۲۰۲۱) - فراوانی متوسط - شهود اخلاقی (استونبرگ، ۱۹۹۸) - فراوانی پایین	تفاوت بنیادین منشأ الهی (شیعه) VS. فرآیند درون‌فردی/تجربی (روان‌شناسی)

۲. اخلاقی- رفتاری	- عدالت‌ورزی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) فراوانی بسیار بالا - امانت‌داری (غررالحکم، ج ۲۴۵) فراوانی بالا - تواضع (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۸۹) - فراوانی متوسط	- اخلاق‌مداری (استرنبرگ، ۱۹۹۸) فراوانی بالا - شفتت (جست و همکاران، ۲۰۱۰) فراوانی بالا - رفتار اجتماع‌مدار (ینگن و همکاران، ۲۰۱۳) فراوانی متوسط	همپوشانی بالا تفاوت در چارچوب: التزام به شریعت (شیعه) VS. اخلاق سکولار (روانشناسی)
۵. اجتماعی	- مشورت‌پذیری (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱) - فراوانی بالا - اصلاح جامعه (قرآن، آل عمران: ۱۱۰) - فراوانی بالا	- چشم‌انداز کلان (گروسمن، ۲۰۱۷) - فراوانی متوسط - محل تعارض خردمندان (برینزا و همکاران، ۲۰۱۸) - فراوانی بالا	همپوشانی متوسط تفاوت در دامنه: مسئولیت دینی (شیعه) VS. مهارت بین‌فردی (روانشناسی)

یافته توصیفی کلیدی:

دقت‌نظر» در مدل پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) همسو است، ولی در بستر الهیاتی تعمیق می‌یابد. (۳) نتیجه تحلیل: هم‌پوشانی در کارکرد ابزاری عقل، تمایز در غایت و چارچوب هنجاری آن.

مؤلفه «اخلاقی- رفتاری» در هر دو سنت از بالاترین فراوانی مضمونی برخوردار است. مؤلفه «شهودی-معنوی» در سنت شیعی پررنگ‌تر و ساختاری‌تر است.

۲. تحلیل مؤلفه عاطفی-انعکاسی

در روان‌شناسی مثبت‌نگر، مؤلفه‌های «شناختی» بیشترین حجم ادبیات پژوهشی را به خود اختصاص می‌دهند.

(۱) یافته تطبیقی: درون‌نگری در هر دو سنت حیاتی است، اما: ۱- سنت شیعی، تأمل را راهی برای تقرب به خدا و عبرت از سرنوشت پیشینیان می‌داند (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۳۴۸)؛ ۲- روان‌شناسی مثبت‌نگر، درون‌نگری را ابزاری برای رشد خودآگاهی و تنظیم هیجانات معرفی می‌کند (آردلت، ۲۰۰۳؛ گلوک و وست استرات، ۲۰۲۲).

(ب) تجزیه و تحلیل استنباطی و تطبیقی یافته‌ها این بخش به تحلیل عمیق‌تر وجوه اشتراک و افتراق در پنج محور اصلی و پاسخ به پرسش‌های تحقیق می‌پردازد:

۱. تحلیل مؤلفه شناختی

(۲) شواهد متنی: حدیث «الْعَاقِلُ مَنْ صَمَتَ فَاسْتَفَكَرَ، وَنَطَرَ فَأَعْتَبَرَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۲۵) به روشنی با یافته‌های مربوط به «خرد بازنمایی» و «تساهل نسبت به ابهام» هم‌خوانی دارد، ولی غایت آن «معرفت‌الله» است.

(۱) یافته تطبیقی: هر دو سنت، عقلانیت را سنگ بنای خرد می‌دانند، اما: ۱- در سنت شیعی، عقلانیت ابزاری برای نجات از گمراهی و مهارکننده شهوات است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۹)؛ ۲- در روان‌شناسی مثبت‌نگر، عقلانیت ابزاری برای حل مسئله و بهینه‌سازی تصمیم‌گیری تلقی می‌شود (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴؛ استرنبرگ، ۱۹۹۸).

(۳) نتیجه تحلیل: هم‌پوشانی در فرآیند درون‌نگری، تمایز در جهت‌گیری غایی (معنوی در برابر روان‌شناختی).

۳. تحلیل مؤلفه شهودی-معنوی

(۱) یافته تطبیقی: این مؤلفه بیشترین شکاف را نشان می‌دهد: ۱. سنت شیعی: خرد نور الهی در قلب مؤمن است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۲۱۳) و هدیه‌ای از

(۲) شواهد متنی: تأکید امام علی(ع) بر «وضع کل شیء موضعه» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۰) (قراردادن هرچیز در جای خود) با مفهوم «قضاوت/

جانب خداست (قرآن، بقره: ۲۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق.، ج ۱: ۱۶)؛ ۲. روان‌شناسی مثبت‌نگر: شهود محصول پردازش ناخودآگاه تجربیات و الگوهای شناختی پیچیده است (گلوک و وست‌استرات، ۲۰۲۲).

۲) شواهد متنی: مفهوم «عقل مجرد» در حکمت متعالیه ملاصدرا (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۳۰۲) که فراتر از عقل تجربی است، در مدل‌های روان‌شناختی کنونی جایگاهی ندارد. پژوهش‌های نوظهور درباره ارتباط «معنویت و خرد» (کینگ و کراوتر، ۲۰۲۱) گامی به سوی این فضا است. بررسی مفهوم عقل در منابع اسلامی نشان‌دهنده سیر تطور معنایی چندلایه است که در ادامه به وجوه تمایز آن با رویکردهای روان‌شناختی می‌پردازیم:

۱. عقل در قرآن و روایات: در قرآن، عقل بیشتر کارکرد عملی-هدایتی دارد (مانند «یعقلون» در بقره/۱۶۴ که به تدبیر در آیات الهی اشاره می‌کند). در روایات شیعه (باب «العقل و الجهل» در الکافی)، عقل به‌عنوان «حجت درونی» در کنار پیامبران به‌عنوان حجت بیرونی (حدیث ۱). «نور اطاعت» که بنده را به عبادت سوق می‌دهد (حدیث ۱۲). «بازدارنده از گناه» (حدیث ۴) تعریف شده است (کلینی، ج ۱: ۱۰-۳۳).

۲. عقل در فلسفه اسلامی (حکمت متعالیه): ملاصدرا با تلفیق فلسفه و عرفان، عقل را در چارچوب حرکت جوهری نفس تحلیل می‌کند؛ ۱- عقل مجرد: مرتبه‌ای فراتر از ادراک حسی که با شهود عرفانی پیوند دارد (صدرالاسفهار، ج ۸: ۳۰۲). ۲- تفاوت با عقل ارسطویی: عقل در نگاه ملاصدرا ذاتاً الهی است و حتی در پایین‌ترین مراتب، جهت‌گیری به سوی کمال مطلق دارد (همان، ج ۱: ۵۲).

۳. مقایسه با روان‌شناسی مثبت‌نگر: در روان‌شناسی، خرد^۱ به‌عنوان ترکیب تجربه، دانش و قضاوت عملی تعریف می‌شود (Sternberg, 1998) و تفاوت کلیدی آن عدم توجه به بُعد قدسی و تمرکز صرف بر سنجه‌های تجربی (حل مسئله یا انعطاف‌پذیری) است. نقطه اشتراک آن نیز تأکید بر کارکرد اجتماعی خرد (توصیه‌های اخلاقی) است.

بنابراین، عقل دینی (در اسلام)، ماهیت هدایت‌گر و الهی دارد. و خرد روان‌شناختی، ماهیت زمینی و عقلانی دارد. از این‌رو نمی‌توان این دو را کاملاً هم‌معنا دانست، اما می‌توان در تربیت اخلاقی از ظرفیت‌های هر دو بهره برد.

۳) نتیجه تحلیل: تمایز بنیادین در منشأ و ماهیت. تلفیق نیازمند توسعه مدل‌های روان‌شناختی پذیرای ابعاد ماورایی است.

۴. تحلیل مؤلفه اخلاقی-رفتاری

۱) یافته تطبیقی: پیوند خرد و اخلاق در هر دو سنت غیرقابل انکار است: ۱. سنت شیعی: خردمندی تجلی عدالت و عمل صالح در چارچوب شریعت است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳؛ غررالحکم، ج ۴۵۰)؛ ۲. روان‌شناسی مثبت‌نگر: خردمندی مستلزم تصمیم‌گیری اخلاقی و رفتار اجتماع‌مدار است (استرنبرگ، ۱۹۹۸؛ جست و همکاران، ۲۰۱۰).

۲) شواهد متنی: تأکید امام علی (ع) بر «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق.، خطبه ۲۱۶) با مفهوم «توازن» در مدل خرد استرنبرگ (۱۹۹۸) و «اخلاق‌مداری» در مدل‌های جدید (برینزا و همکاران، ۲۰۱۸) هم‌سوست.

۳) نتیجه تحلیل: هم‌پوشانی قوی در پیامدهای رفتاری. تمایز در منبع هنجارهای اخلاقی (و حیاتی در برابر عقلانی/تجربی).

۵. تحلیل مؤلفه اجتماعی

۱) یافته تطبیقی: نقش اجتماعی خردمند: ۱. سنت شیعی: خردمند مصلح اجتماعی و امانت‌دار حکومت است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۵۰)؛ ۲. روان‌شناسی مثبت‌نگر: خردمند تسهیل‌گر حل تعارض و ارائه‌دهنده چشم‌انداز کلان است (گروسمن، ۲۰۱۷؛ وزیری و همکاران، ۲۰۲۰).

۲) شواهد متنی: سفارش امام علی (ع) به مالک اشتر به «عطف بر رعیت» و «رفع ظلم» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق.، نامه ۵۳) با یافته‌های مربوط به «همدلی» و «عدالت‌محوری» در رهبری خردمندانه (وزیری و همکاران، ۲۰۲۰) هم‌خوانی دارد.

۳) نتیجه تحلیل: هم‌پوشانی در کارکرد اجتماعی خرد. تمایز در حوزه مسئولیت (حکومت دینی در برابر تعاملات انسانی).

جدول ۳: جمع‌بندی تطبیقی و پاسخ به پرسش‌های اصلی پژوهش

پرسش پژوهش	یافته‌های کلیدی	شواهد استخراج‌شده
مؤلفه‌های اصلی خردمندی در هر دو سنت؟	- سنت شیعی: معرفت‌ورزی تو‌جمیدی، تهذیب نفس، عدالت‌ورزی، درون‌نگری، تعادل، مسئولیت اجتماعی - روان‌شناسی مثبت‌نگر: تفکر انتقادی، خودآگاهی، تنظیم هیجان، اخلاق‌مداری، چشم‌انداز، شفقت	- شیعه: قرآن، نهج‌البلاغه، غررالحکم، الکافی - روان‌شناسی: پترسون و سلینگمن (۲۰۰۴) استرنبرگ (۱۹۹۸)، آردلت (۲۰۰۳)، گروسمن (۲۰۱۷)
وجوه اشتراک و افتراق؟	اشتراکات: محوریت عقلانیت، اهمیت درون‌نگری، پیوند خرد و اخلاق، نقش اجتماعی افتراقات: منشأ (الهی در برابر اکتسابی)، غایت (قرب الهی/اخروی در برابر بهزیستی دنیوی)، جایگاه شهود معنوی، چارچوب هنجاری (شریعت در برابر اخلاق سکولار)	- اشتراک: هم‌پوشانی در مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی (با تفاوت در تأکید) - افتراق: بنیادهای متافیزیکی و غایت‌شناختی متفاوت (اسناد به متون دست‌اول)
امکان تلفیق و راهکارهای کاربردی؟	امکان‌پذیر در سطح: - مؤلفه‌های عملی: آموزش مهارت‌های شناختی-هیجانی روان‌شناسی همراه با تمرینات معنوی شیعی (مراقبه، تدبیر) - طراحی مدل تربیتی تلفیقی: تلفیق اصول "تهذیب نفس" با تکنیک‌های "خودآگاهی و تنظیم هیجان" محدودیت در سطح: مبانی متافیزیکی و غایت‌شناختی	- طراحی برنامه درسی مبتنی بر "عدالت‌ورزی + تفکر انتقادی" - مداخلات مشاوره‌ای تلفیقی (مثلاً تلفیق "عبرت‌آموزی" با "بازسازی شناختی") - سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر تقویت خرد جمعی با اتکا به ارزش‌های بومی و یافته‌های جهانی

نتیجه‌گیری تحلیلی نهایی:

(شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی) وجود دارد. این هم‌پوشانی‌ها، پتانسیل بالایی برای تلفیق سازنده در عرصه‌های تربیتی و سیاست‌گذاری، به‌ویژه در جوامع شیعی مانند ایران، ایجاد می‌کند. نوآوری این تحقیق در ارائه الگویی بومی برای پرورش

این پژوهش نشان داد که علیرغم تفاوت‌های بنیادین در مبانی متافیزیکی و غایت‌شناختی خردمندی در سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر، هم‌پوشانی قابل توجهی در سطح مؤلفه‌های عملیاتی

۱- **اشتراک در سازوکار:** تأکید بر عقلانیت به مثابه ابزار تشخیص (تمییز حق/باطل در شیعه ↔ حل مسئله در روان‌شناسی)، نقش محوری درون‌نگری (عبرت‌آموزی در شیعه ↔ خودآگاهی در روان‌شناسی)، و پیوند ناگسستنی خرد با رفتار اخلاقی (عدالت‌ورزی در شیعه ↔ تصمیم‌گیری اخلاقی در روان‌شناسی).

۲- **اشتراک در پیامد:** ارتقای بهزیستی فردی (سعادت دنیوی/اخروی در شیعه ↔ eudaimonic well-being در روان‌شناسی) و بهبود سلامت اجتماعی (اصلاح جامعه در شیعه ↔ رهبری خردمندانه در روان‌شناسی). **افتراق بنیادین** اما در **مبانی متافیزیکی و غایت‌شناختی** است:

الف) منشأ: خرد به‌عنوان موهبت الهی و نور قلبی در سنت شیعی (قرآن، بقره: ۲۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق.) در مقابل خرد به‌مثابه محصول تعامل ژن-محیط-تجربه و توانمندی قابل پرورش در روان‌شناسی مثبت‌نگر (بالتس و استادینگر، ۲۰۰۰). این یافته، تفاوت ماهوی با پژوهش‌های صرفاً روان‌شناختی مانند آردلت (۲۰۰۳) دارد که بعد معنوی را نادیده می‌گیرند، اما با یافته‌های نوظهور کینگ و کراوتر (۲۰۲۱) درباره ارتباط معنویت و خرد هم‌خوان است.

ج) غایت: قرب الهی و سعادت اخروی به‌عنوان کمال مطلق در سنت شیعی (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۶) در مقابل بهزیستی روان‌شناختی و سازگاری مطلوب در این جهان به‌عنوان هدف نهایی در روان‌شناسی مثبت‌نگر (سلیگمن، ۲۰۱۱). این تفاوت، تناقضی با نظریه‌ها ایجاد نمی‌کند، بلکه تکمیل‌کننده آن‌ها در بافتارهای معنوی است.

۳- **تحقق هدف سوم (امکان تلفیق و راه‌کارها):** پژوهش نشان داد تلفیق در سطح مؤلفه‌های عملی و تربیتی نه‌تنها امکان‌پذیر، بلکه ضروری است. این یافته پاسخی روشن به مسئله اصلی پژوهش است: امکان استخراج الگوهای کاربردی برای تربیت و سیاست‌گذاری در جوامع شیعی وجود دارد. پیامد نظری این پژوهش، ارائه چارچوب تلفیقی خردمندی بوم‌محور است که شکاف بین دو گفتمان را می‌پوشاند. پیامد عملی آن، ایجاد زمینه تحول در نهادهای آموزشی و

خردمندی است که هم ظرفیت‌های معنوی سنت شیعی و هم یافته‌های معتبر روان‌شناختی را در قالب راهکارهای عینی برای نهادهای آموزشی و فرهنگی به کار می‌گیرد. چالش اصلی، توسعه مدل‌های سنجش و مداخله‌ای است که بتواند به‌طور هم‌زمان به ابعاد مادی و معنوی خردمندی بپردازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی خردمندی در سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر و با انگیزه پرکردن شکاف بین مباحث نظری و کاربرد عملی در جوامع شیعی، به یافته‌های متقن و قابل تأملی دست یافته است که اهداف پژوهش را محقق می‌سازد و گام‌های بعدی را روشن می‌کند:

الف) تحقق هدف اول (شناسایی مؤلفه‌ها): تحلیل عمیق متون دست‌اول نشان داد خردمندی در سنت شیعی بر پایه پنج رکن استوار است: (۱) معرفت‌ورزی توحیدی به مثابه بنیاد، (۲) تهذیب نفس و مهار هواها به عنوان پیش‌شرط، (۳) عدالت‌ورزی و عمل صالح به منزله تجلی عینی، (۴) درون‌نگری و عبرت‌آموزی به عنوان مکانیزم رشد، و (۵) تعادل بین عقل و نقل به مثابه اصل راهنما (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق). در مقابل، روان‌شناسی مثبت‌نگر خردمندی را در سه حوزه طبقه‌بندی می‌کند: الف) توانمندی‌های شناختی (تفکر انتقادی، کنجکاوی، قضاوت)، ب) توانمندی‌های انعکاسی-هیجانی (خودآگاهی، تنظیم هیجان)، و ج) توانمندی‌های اجتماعی-اخلاقی (همدلی، اخلاق‌مداری) (Peterson & Seligman, 2004; Grossmann, 2017). این یافته با پژوهش جعفری (۱۳۹۹) در شناسایی ابعاد مشترک (مانند تأکید بر شناخت و اخلاق) هم‌سوست، اما با نوآوری در تفکیک دقیق‌تر مؤلفه‌های معنوی-الهی شیعی و ارائه طبقه‌بندی جامع‌تر از مؤلفه‌های روان‌شناختی، فراتر می‌رود.

ب) تحقق هدف دوم (وجوه اشتراک و افتراق): پژوهش حاضر هم‌پوشانی معناداری در سطح مؤلفه‌های عملیاتی خردمندی بین دو سنت تأیید کرد:

۲. به مراکز مشاوره و سلامت روان (سازمان نظام روان‌شناسی، بهزیستی): ۱- طراحی «پروتکل‌های مشاوره‌ای تلفیقی» برای افزایش تاب‌آوری و معناداری زندگی، مانند تلفیق تکنیک‌های بازسازی شناختی^۱ با تمرینات معنوی شیعی مانند «مراقبه توحیدی» یا «تأمل در حکمت‌های نهج‌البلاغه» (مبتنی بر یافته مؤلفه عاطفی-انعکاسی و شهودی)؛
۲- آموزش مشاوران در به‌کارگیری «چارچوب خردمندی تلفیقی» در مواجهه با مسائل اخلاقی و معنوی مراجعان.

۳. به نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی): الف) تدوین «سند راهبردی توسعه فرهنگ خردورزی» مبتنی بر الگوی تلفیقی پژوهش حاضر، با تأکید بر تقویت هم‌زمان سواد علمی-انتقادی و بنیان‌های اخلاقی-معنوی در جامعه؛ ب) حمایت از تولید محتوای فرهنگی-هنری (فیلم، سریال، کتاب، پادکست) که الگوهای خردمندی تلفیقی (دانشمند عابد، پزشک عادل، سیاستمدار متقی) را معرفی می‌کند.

ب) پیشنهادهای پژوهشی:

۱. پژوهش‌های کمی: طراحی و اعتباریابی «مقیاس سنجش خردمندی تلفیقی» (شیعی-روان‌شناختی) با گنجاندن خرده‌مقیاس‌های معنوی (مانند تقوایدیری، معادباوری) همراه با مؤلفه‌های شناختی-هیجانی رایج.

۲. پژوهش‌های آزمایشی: بررسی «اثر بخشی برنامه درسی تلفیقی پرورش خردمندی» (پیشنهاد شده در بخش کاربردی) در مدارس و دانشگاه‌های ایران با روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی).

۳. پژوهش‌های تطبیقی عمیق: انجام مطالعات تطبیقی مشابه با تمرکز بر سایر فضایل (مانند شجاعت، عدالت، اعتدال) بین سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر.

۴. پژوهش‌های بین‌فرهنگی: بررسی کاربردپذیری الگوی تلفیقی در دیگر جوامع شیعه‌نشین (مانند عراق، لبنان، پاکستان) با توجه به تفاوت‌های فرهنگی.

فرهنگی است. این نتیجه با تأکید امام علی (ع) بر «أخذ الحکمه» حتی از منافق (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۸۰) که گشودگی به حکمت فارغ از منبع را نشان می‌دهد، و نیز با رویکرد روان‌شناسی مثبت در بهره‌گیری از منابع گوناگون برای پرورش فضایل (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴)، کاملاً هم‌سو است. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به کارهای مشابه مانند حسینی‌زاده (۱۳۹۸) یا گلستانی‌بخت و همکاران (۱۴۰۱)، در توجه هم‌زمان به مبانی نظری عمیق و استخراج راهکارهای سیاستی عینی است.

محدودیت‌های پژوهش

۱- تمرکز پژوهش بر متون معیار سنت شیعی و روان‌شناسی مثبت‌نگر، امکان پوشش کامل تمام جریان‌های فرعی یا دیدگاه‌های حاشیه‌ای را محدود کرد.

۲- ماهیت کیفی و کتابخانه‌ای پژوهش، امکان سنجش تجربی مستقیم اثربخشی راهکارهای پیشنهادی را فراهم نکرد.

۳- امکان تعمیم راهکارهای پیشنهادی به همه جوامع شیعی نیازمند توجه به تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی خاص هر بستر است.

۴-۵. پیشنهادها: پیشنهادهای این پژوهش مستقیماً از یافته‌ها و چارچوب تلفیقی استخراج شده‌اند:

الف) پیشنهادهای کاربردی:

۱. به نهادهای آموزشی (وزارت‌های آموزش و پرورش و علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی): الف) طراحی و اجرای «برنامه درسی تلفیقی پرورش خردمندی» برای مقاطع متوسطه و دانشگاه، مشتمل بر: آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله (برگرفته از روان‌شناسی) + تمرینات مراقبه، تدبیر در آیات/روایات و عبرت‌آموزی از تاریخ (برگرفته از سنت شیعی) + پروژه‌های خدمت‌رسانی اجتماعی مبتنی بر عدالت (ترکیب هر دو) (مبتنی بر یافته‌های مؤلفه‌های شناختی، انعکاسی و اخلاقی-اجتماعی)؛ ب) گنجاندن «سنجش خردمندی چندبعدی» (شامل بعد معنوی-دینی) در ارزش‌یابی‌های تربیتی و پرورشی؛

جمع‌بندی نهایی: این پژوهش با اثبات هم‌پوشانی ارزشمند در سطح عملی و امکان تلفیق سازنده آموزه‌های ناب شیعی و یافته‌های معتبر روان‌شناسی مثبت‌نگر در حوزه خردمندی، گامی اساسی در جهت بومی‌سازی دانش روان‌شناختی و نظام‌مندسازی تربیت دینی برداشته است. الگوی پیشنهادی، نه تنها به‌غناي نظری هر دو حوزه می‌افزاید، بلکه نقشه راه عینی برای سیاست‌گذاران، مربیان و درمانگران فراهم می‌کند تا نسلی از «انسان‌های خردمند» را تربیت کنند که هم از عمق معنوی و پشتوانه اخلاقی برخوردارند و هم به مهارت‌های شناختی-هیجانی روزآمد مجهزند؛ انسانی که امام علی(ع) او را این‌گونه توصیف می‌کند: «مَنْ عَقَلَ عَرَفَ، وَ مَنْ عَرَفَ عَمِلَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۹۷).

منابع فارسی:

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ج. ۱ و ۲، ترجمه محمد علی انصاری، مؤسسه انتشارات امام عصر (عج).
- حسینیزاده، سیدعلی (۱۳۹۰)، *عقل و خرد از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه*، پژوهش‌های نهج البلاغه، ۹(۳۲)، ۷-۳۴.
- حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۸)، *مؤلفه‌های خرد عملی در نهج‌البلاغه*، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۷(۶۵)، ۱-۲۶.
- جعفری، سیدمحمدتقی (۱۳۹۹)، *مقایسه مفهوم خرد در اسلام و روانشناسی مثبت‌نگر*، پژوهش‌های روانشناسی و دین، ۹(۱)، ۵-۲۴.
- شیرفضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ ق)، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، انتشارات هجرت.
- صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) (۱۳۸۳)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، ج. ۸، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلام.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، ج. ۱ و ۲، تصحیح علی‌اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامیة.
- گلستانی‌بخت، طاهره؛ محمدی، نورالله؛ کشاورز، سوسن (۱۴۰۱)، *اثربخشی آموزش روانشناسی مثبت بر خردمندی، تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری شناختی دانشجویان*، روانشناسی مثبت، ۸(۲)، ۱-۱۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، جلد ۱، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج. ۸، مرکز کتاب للترجمة و النشر.
- مهدویراد، محمدعلی (۱۳۹۵)، *تحلیل مفهوم عقل در متون اسلامی و دلالت‌های تربیتی آن*، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۲)، ۱۱۱-۱۳۴.
- ابنمنظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، دار صادر.

منابع لاتین

- Ardelt, M., (2003), Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale, *Research on Aging*, 25(3), 275-324, <https://doi.org/10.1177/0164027503025003004>.
- Ardelt, M., Pridgen, S., Nutter-Pridgen, K. L., (2019), The relation between age and three-dimensional wisdom: Variations by wisdom dimensions and education, *The Journals of Gerontology: Series B*, 74(5), 825-835, <https://doi.org/10.1093/geronb/gbx183>.
- Bangen, K. J., Meeks, T. W., Jeste, D. V., (2013), Defining and assessing wisdom: A review of the literature, *The American Journal of Geriatric Psychiatry*, 21(12), 1254-1266, <https://doi.org/10.1016/j.jagp.2012.11.020>.
- Bereday, G. Z. F., (1964), *Comparative method in education*, Holt, Rinehart and Winston.
- Bowen, G. A., (2009), Document analysis as a qualitative research method, *Qualitative Research Journal*, 9(2), 27-40, <https://doi.org/10.3316/QRJ0902027>.
- Braun, V., Clarke, V., (2006), Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101, <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>.
- Brienza, J. P., Kung, F. Y. H., Santos, H. C., Bobocel, D. R., Grossmann, I., (2018), Wisdom, bias, and balance: Toward a process-sensitive measurement of wisdom-related cognition, *Journal of Personality and Social Psychology*, 115(6), 1093-1126, <https://doi.org/10.1037/psp0000115>.

- Kashdan, T. B., Disabato, D. J., Goodman, F. R., McKnight, P. E., (2018), The Five-Dimensional Curiosity Scale Revised (5DCR): Briefer subscales while separating overt and covert social curiosity, *Personality and Individual Differences*, 157, 109836, <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.11.011>.
- King, H. M., Crowther, M. R., (2021), The measurement of religiosity and spirituality: Examples and issues from psychology, *The Oxford Handbook of Religion and Health*, صص. C38–C58, Oxford University Press, <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780190088859.013.3>.
- Lincoln, Y. S., Guba, E. G., (1985), *Naturalistic inquiry*, Sage Publications.
- Patton, M. Q., (2015), *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice*, 4th ed., Sage Publications.
- Peterson, C., Seligman, M. E. P., (2004), *Character strengths and virtues: A handbook and classification*, Oxford University Press, American Psychological Association.
- Schwartz, B., Sharpe, K., (2006), Practical wisdom: Aristotle meets positive psychology, *Journal of Happiness Studies*, 7(3), 377–395, <https://doi.org/10.1007/s10902-005-3651-y>.
- Silver, C., Lewins, A., (2014), *Using software in qualitative research: A step-by-step guide*, 2nd ed., Sage Publications.
- Staudinger, U. M., Glück, J., (2011), Psychological wisdom research: Commonalities and differences in a growing field, *Annual Review of Psychology*, 62, 215–241, <https://doi.org/10.1146/doi.org/10.1037/pspp0000171>.
- Creswell, J. W., Poth, C. N., (2018), *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*, 4th ed., Sage Publications.
- Dixon-Woods, M., Bonas, S., Booth, A., Jones, D. R., Miller, T., Sutton, A. J., Young, B., (2006), How can systematic reviews incorporate qualitative research? A critical perspective, *Qualitative Research*, 6(1), 27–44, <https://doi.org/10.1177/1468794106058867>.
- Glück, J., Weststrate, N. M., (2022), The wisdom researchers and the elephant: An integrative model of wise behavior, *Personality and Social Psychology Review*, 26(4), 342–374, <https://doi.org/10.1177/10888683221094650>.
- Grossmann, I., (2017), Wisdom in context, *Perspectives on Psychological Science*, 12(2), 233–257, <https://doi.org/10.1177/1745691616672066>.
- Grossmann, I., Dorfman, A., Oakes, H., (2020), Wisdom is a social-ecological rather than person-centric phenomenon, *Current Opinion in Psychology*, 32, 66–71, <https://doi.org/10.1016/j.copsy.2019.07.010>.
- Hsieh, H.-F., Shannon, S. E., (2005), Three approaches to qualitative content analysis, *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277–1288, <https://doi.org/10.1177/1049732305276687>.
- Jeste, D. V., Ardelt, M., Blazer, D., Kraemer, H. C., Vaillant, G., Meeks, T. W., (2010), Expert consensus on characteristics of wisdom: A Delphi method study, *The Gerontologist*, 50(5), 668–680, <https://doi.org/10.1093/geront/gnq022>.

- [annurev.psych.121208.131659.](https://doi.org/10.1037/1089-2680.2.4.347)
- Sternberg, R. J., (1998), A balance theory of wisdom, *Review of General Psychology*, 2(4), 347-365, <https://doi.org/10.1037/1089-2680.2.4.347>.
- Sternberg, R. J., (2005), Older but not wiser? The relationship between age and wisdom, *Ageing International*, 30(1), 5-26, <https://doi.org/10.1007/BF02681005>.
- Vallerand, R. J., Blanchard, C., Mageau, G. A., Koestner, R., Ratelle, C., Léonard, M., Marsolais, J., (2003), Les passions de l'âme: On obsessive and harmonious passion, *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(4), 756-767, <https://doi.org/10.1037/0022-3514.85.4.756>.
- Vaziri, H., Casper, W. J., Wayne, J. H., Matthews, R. A., (2020), Changes to the work-family interface during the COVID-19 pandemic: Examining predictors and implications using latent transition analysis, *Journal of Applied Psychology*, 105(10), 1073-1087, <https://doi.org/10.1037/apl0000819>.
- Webster, J. D., (2007), Measuring the character strength of wisdom, *The International Journal of Aging and Human Development*, 65(2), 163-183, <https://doi.org/10.2190/AG.65.2.d>.
- Baltes, P. B., Staudinger, U. M., (2000), Wisdom: A metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence, *American Psychologist*, 55(1), 122-136, <https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.122>.
- Seligman, M. E. P., (2011), *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*, Free Press.